

بسمه تعالی

جنگ نفت کش ها و تاثیر آن بر اقتصاد منطقه (خلیج فارس) با تاکید بر ایران و عراق

نقیسه شاهی نوری*

چکیده

مجموعه ای از عملیات های نظامی دریایی بین ایران و عراق در طول جنگ تحمیلی را جنگ نفت کش ها می نامند. این نبرد یک سال پس از شروع جنگ در سال ۱۹۸۰م (۱۳۶۰ش) آغاز شد و تا پایان جنگ در سال ۱۹۸۸م (۱۳۶۷ش) ادامه یافت. این امر تاثیرات به سزایی در اقتصاد کشورهای منطقه (خلیج فارس) به ویژه کشورهای مذکور گذاشت. لذا پژوهشگر به دنبال یافتن تاثیرات اقتصادی این نبرد و علل عمده ی آن، جنگ نفت کش ها را در قالب پنج مرحله بررسی کرده و سپس به مطالعه ی تاثیر نفت در اقتصاد کشورهای مورد نظر پرداخته است تا از این منظر اقتصاد این کشورها را در طول جنگ نفت کش ها مورد بررسی قرار دهد. برای رسیدن به چنین هدفی می بایست به پاسخ پرسش های زیر دست یافت:

۱ - کشورهای آغازکننده ی این نبرد به دنبال چه اهدافی بوده و آیا به آنها رسیده اند؟

۲ - آیا اقتصاد کنونی کشورهای حوزه ی خلیج فارس همچنان متأثر از این نبرد می باشد؟

روش تحقیق در این مقاله توصیفی و شیوه ی گردآوری اسنادی و مطالعه ای می باشد. لکن در انتها به تجزیه و تحلیل اجمالی جداول اقتصادی مبادرت و چنین نتیجه گیری شده است که در طول این نبرد و به خصوص در سالهای ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ش) تا پایان جنگ تحمیلی که نقطه ی اوج آن می باشد، قیمت نفت و صادرات آن به شدت کاهش یافته و منجر به کاهش ارزش وارد شده به این کشورها گردیده است. لذا کاهش صادرات نفت برای این کشورها که همگی تک محصولی می باشند، رکود اقتصادی را به دنبال داشته است. لکن با وجود تاثیر شدید این نبرد بر اقتصاد ایران که یکی از اهداف عراق بوده و رکود آن در طول این سالها، متضرر قطعی آن از لحاظ اقتصادی عراق می باشد و ساختار متلاطم کنونی اقتصاد عراق احتمالاً از همین جنگ ناشی می شود که این موضوع خود تحقیقی جداگانه را می طلبد.

کلید واژه ها: نفت، جنگ نفت کش ها، منطقه ی خلیج فارس، ایران، عراق

* راوی موزه ی دفاع مقدس و ترویج فرهنگ مقاومت، کارشناس مترجمی زبان فرانسه

مقدمه

از زمان حفاری و استخراج نفت توسط آمریکا در سال ۱۸۵۹ میلادی، جهان با مفهوم جدیدی از انرژی آشنا شد که سرنوشت ممالک را تعیین می کرد لذا صنعتی شدن در قرن نوزدهم میلادی به نفت گره خورده است. کشف نفت در ایران در سال ۱۹۰۴ م به عنوان اولین کشور دست یابنده به نفت در خلیج فارس، توجه دول غربی را به این منطقه جلب کرد. از آن زمان بود که واژه ی "امنیت ذخایر نفتی خلیج فارس" وارد فرهنگ لغات امنیت غرب شد و کشمکش بین انگلیس و آلمان از یک طرف و انگلیس و آمریکا از طرف دیگر منشأ شروع جنگ جهانی اول گردید. آمریکا سیاست مدافعه از اصل "در باز" را در پیش گرفت؛ این اصل مبتنی بر این بود که تمام کشورها دارای حقوق مساوی برای بهره برداری از منابع ثروت هستند و امتیازات اقتصادی نباید به صورت انحصاری در آیند، با این حال از سال ۱۹۲۵ م تا آغاز جنگ جهانی دوم شرکتهای انگلیسی در خاور میانه پیشتاز بوده و سهم آمریکا بسیار اندک بود. جنگ جهانی دوم و ایجاد "منشور آتلانتیک" نظم جدید جهان را به سود آمریکا شکل داد. دو سال پس از جنگ بود که آمریکا با استناد به این منشور وارد بحرین در خلیج فارس شد. در همین زمان بود که در برخی کشورهای منطقه از جمله ایران نهضت های ملی شکل گرفت و منجر به تشکیل سازمان "اوپک" گردید. لکن هنوز سهم عمده ی نفت از آن کشورهای پیشرفته سرمایه داری بود امری که باعث شد اعضای اوپک از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ م قیمت نفت را معادل ۴۵٪ افزایش دهند؛ جهان با رشد تورم و از پس آن بحران انرژی روبرو شد، امری که نگاه ها را بیش از پیش به سوی خلیج فارس سوق میداد. (نوده فراهانی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۰-۱۸۰)

خلیج فارس با حدود ۱۲۹۰ کیلومتر طول از دهانه ی فاودر اروندرود آغاز و به انتهای تنگه ی هرمز ختم می شود. این خلیج در طول تاریخ همیشه شاهد بروز قدرتی جدید و به واسطه ی آن درگیری و نزاع بوده است. در این بین تنگه ی هرمز برای ایران نقش کلیدی را بازی می کند و گذرگاه مهم آن به شمار می رود. این تنگه یکی از حساس ترین تنگه های دنیاست و قوس آن رو به شمال و به طرف درون فلات ایران قرار دارد و در نتیجه بیشترین خط ساحلی آن در راستای کرانه های ایران قرار گرفته است. سهم عمده ی صادرات و واردات ایران از طریق این تنگه صورت می پذیرد. نکات ذکر شده بیان کننده ی موقعیت حساس ژئوپولیتیکی ایران در منطقه می باشد.

با سقوط شاه و انقلاب ایران ، آمریکا به عنوان قدرت مهم حاضر در منطقه احساس خطر کرده و به دنبال جانشینی برای ژاندارمی منطقه میگردد و با توجه به چشمداشت همیشگی عراق به مرزهای ایران و نداشتن دستیابی این کشور به آبهای خلیج فارس و ترس از صدور انقلاب ایران به عراق، صدام را برمی گزیند. رژیم بعثی از همان ابتدا به نبرد دریایی روی می آورد و با دست زدن به حملات گسترده ی دریایی توسط ناوچه های موشک انداز "اوزا" سعی در نا امن کردن منطقه دارد، که البته با عکس العمل به موقع نیروی دریایی ایران مواجه شده و تعدادی از این ناوچه های اهدایی روسیه به قعر خلیج فارس فرو می روند. بدین حساب نبرد ایران و عراق به دریا کشیده می شود و این یعنی شروع جنگ نفت کش ها ، رنگ نفت گرفتن جنگ و تحولات اقتصادی منطقه.

با توجه به نگاه مداوم و مغرضانه ی استکبار جهانی به منابع نفت کشورهای حوزه ی خلیج فارس و بالاخص ایران که برخی معتقدند قلب نفتی منطقه به شمار می آید ، بررسی علل مختلف شروع جنگ نفت کش ها ، دلایل ادامه ی آن ، پدافندها و آیندهای دریایی ایران، استراتژی کشورهای منطقه و کشورهای حامی عراق در طول این جنگ و تبعات اقتصادی آن، بسیار ضروری می باشد. تا نشاید که ایران معاصر درگیر جنگی چون جنگ پیشین شود و یا اگرچنین امری حادث شد با قدرت هرچه بیشتر و با اتکا به تجربیات پیشین رویکردهای مناسب را ارائه دهد.

در این متن برآنیم تا ضمن بررسی جنگ نفت کش ها ، مراحل مختلف آن، کشورهای دخیل در این جنگ و واکنش دول غربی، به بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه و تاثیری که این جنگ بر اقتصاد آنها داشته پردازیم ، تا ببینیم که آیا این جنگ تاثیری بر اوضاع اقتصادی کشورهای منطقه داشته است؟ جنگ نفت کش ها چگونه می تواند اقتصاد منطقه را تحت تاثیر قرار دهد؟ آیا

هدف کشورهای آغازکننده ی جنگ چنین تاثیری بوده است ؟ و در نهایت آیا این کشورها به هدف خود رسیده اند؟

جنگ نفت کش ها* در واقع به مجموعه عملیاتهای نظامی دریایی بین سالهای ۱۹۸۱ م تا ۱۹۸۸ م در خلیج فارس و در طول جنگ ایران و عراق گفته می شود که طرفین درگیر جنگ و نیروی دریایی آمریکا علیه کشتی های نظامی و تجاری یکدیگر به کار می بستند .

در مورد تاثیر جنگ نفت کش ها بر اقتصاد کشورهای منطقه ی خلیج فارس تقریبا تا کنون سخنی به میان نیامده است و به استثنای چند مقاله که صرفا در مورد جنگ نفت کش ها می باشد، در این مورد منبعی در اختیار نیست. یکی از این مقالات کلیدی در گفتگو با سردار حسین علایی (اولین فرمانده ی نیروی دریایی سپاه) و محمود یزدانفام کارشناس جنگ می باشد؛ که در نشریه ی آفتاب یزد در سال ۲۰۰۱م (۱۳۸۰ش) با همین عنوان به چاپ رسیده است. لکن تاثیر نفت در اقتصاد، موضوع ده ها عنوان پایان نامه و کتاب می باشد که از برخی از آنها در این مقاله استفاده شده است.

به منظور بررسی جنگ نفت کش ها و تاثیرات آن بر اقتصاد منطقه ، ابتدا اهداف عراق را از شروع آن از نظر می گذرانیم:

۱- گسترش جنگ در دریا و منحرف نمودن توجه فرماندهان ایرانی از جبهه های جنگ زمینی

۲- آسیب رساندن به منابع مالی و ارزی ایران با اختلال در صدور نفت

۳- ادامه ی جنگ به نفع عراق از طریق فشار اقتصادی بر ایران

۴- درگیر کردن بخش عظیمی از پدافند هوایی ایران در خلیج فارس و جدا کردن این توان نظامی از جبهه های زمینی

۵- اختلال در هزینه های جنگ و رفاه عمومی مردم ایران و در نتیجه ایجاد فشار اجتماعی و با مشکل روبرو ساختن رزمندگان

این جنگ پس از نبردهای دریایی جنگ جهانی دوم ،دومین نبرد بزرگ دریایی قرن بیستم به شمار می رود که آمریکا در آن درگیر شده است . لذا باتوجه به حساسیت این نبرد آن را به ادوار مختلف تقسیم کرده و به هر کدام به طور جداگانه می پردازیم :

*Tanker war

دوره ی اول ۱۹۸۳-۱۹۸۱ م (۱۳۶۲-۱۳۶۰ش)

در این دوره همانطور که گفته شد عراق قصد داشت منطقه را نا امن کند، لذا به کشتیهای غیر نظامی ایران که کالاهای نظامی آن را برای پشتیبانی از جنگ فراهم می کردند، حمله کرد. بعدها این حملات شامل کلیه کشتیهای تجاری ایران شد. ایران به فرماندهی ناوچه ی پیکان وبا کمک نیروی هوایی به منظور انهدام اسکله های البکر و الامیه که محل صدور نفت عراق بود، این دو پایانه را به آتش کشیدند، تعدادی ناوچه ی موشک انداز را غرق کردند و تعدادی دیگر را به بندر ام القصر فراری و برای مدتی به حضور عراق خاتمه دادند. اولین نفت کش خارجی که در این جنگ آسیب دید، نفت کش اطلس، متعلق به ترکیه بود و در ۳۰ می ۱۹۸۲م در حال صادرات نفت ایران بود که در خلیج فارس توسط هواپیماهای عراق بمباران شد. دومین نفت کش، نفت کش یونانی اسکپمانت بود که در حال صادرات نفت ایران مورد حمله یک عدد موشک آگزوست عراق قرار گرفت و غیر قابل استفاده گردید. در این سه سال مجموعاً ۴۸ کشتی تجاری مورد حمله قرار گرفت.

سردار حسین علایی در مورد چگونگی حمله ی عراق با توجه به دور بودن مناطق مورد حمله، می گوید:

ارتش عراق در ابتدا با استقرار موشک های ساحل به دریای کرم ابریشم در راس البیشه و پرتاب انبوه آنها توانست خور موسی را نا امن و تردد کشتی ها به بندر امام خمینی را که بزرگترین بندر وارداتی کالاهای اساسی برای جمهوری اسلامی ایران بود، مختل نماید. در این زمان عراقی ها بیشتر از هواپیماهای میگ و موشک های ساحل به دریای "آگزوست" ساخت شوروی سابق بهره می بردند. (امجد، ۱۳۸۰، ص ۱)

دوره ی دوم ۱۹۸۴م (۱۳۶۳ش)

در این سال جنگ نفت کش ها وارد مرحله ی جدیدی می شود. استکبار جهانی که ایران را قدرت اصلی منطقه می بیند تدبیری می اندیشد تا با تسلیح عراق، راه های بازرگانی و تدارکاتی ایران را در جنوب نا امن و ایران را همچون عراق از خلیج فارس محروم کند. فرانسه با اجاره دادن پنج فروند هواپیمای سوپراتاندارد (به همراه خلبان) به عراق، بار دیگر دشمنی اش را با انقلاب اسلامی آشکار می کند.

این هواپیماها مجهز به موشک های آگزوست بوده است که عراق با کمک آنها و بالگردهای سوپرفرلون که آنها هم ساخت فرانسه و مجهز به چنین موشک هایی بودند توانست به تاسیسات نفتی جزیره ی خارک و نفت کش های موجود در اسکله ی آن حمله کند و صادرات نفت ایران را با خطر مواجه سازد . قابل ذکر است که عراق در تاریخ سوم اردیبهشت این سال، نخستین نفت کش حامل نفت ایران را در خلیج مورد حمله قرار می دهد. اینجاست که امپریالیسم خبری به کمک جهان غرب و عراق می آید و با پررنگ کردن توان رزمی، قدرت مانور و هدف گیری دقیق این هواپیماها، سعی در ایجاد رعب و وحشت می کند. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به تلافی این حمله برمی آید و باموشک های هوا به سطح (K-H-25) و موشک های ماوریک به کشتی های کوچک عراق حمله می کند. علی رغم اینکه این موشک ها آسیب جدی ای به کشتی ها نمی رساند ولی موجب سلب امنیت و آرامش عراق ورعب و وحشت کشتیهای این کشور می شد.

بعد دیگر این تلافی در دست نیروی دریایی ارتش بود که نفت کش های حامل نفت عراق را که با پرچم کویت اقدام به صادرات نفت این کشور می کردند، مورد حمله قرار می داد. در این سال ، ۷۱ کشتی تجاری مورد حمله قرار گرفت.

دوره ی سوم ۱۹۸۶-۱۹۸۵م (۱۳۶۵-۱۳۶۴ ش)

در این دوره جنگ نفت کش ها به اوج رسیده بود عراق با حمایت های همه جانبه ی شرق و غرب جنگ در دریا را شدت بخشید و پایانه های ایران در خلیج فارس را دوباره مورد حمله قرار داد. ایران در پس شرارت های عراق ، سیاست "امنیت در خلیج فارس برای همه یا هیچ کس " را در پیش گرفت. اقتصاد ایران به تداوم جریان نفت از خلیج فارس و تنگه ی هرمز بستگی داشت؛ لذا در شرایطی که کشتی های ایران در این منطقه امنیت نداشتند، امنیت برای عراق و سایر کشورها مفهومی نداشت.

براین مبنا ایران اعلام کرد که " اگر ما از صادرات نفت محروم شویم ، تمامی خلیج فارس محروم خواهد شد." ایران در پی این سیاست اعلام مقابله به مثل نمود . تصمیم ایران مبنی بر بلوکه کردن تنگه ی هرمز، بلوایی در جهان به پا کرد.

شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس* در نامه ای به رئیس شورای امنیت، تهدید ایران را، تهدید علیه ثبات و امنیت منطقه و خطری برای امنیت بین المللی دانستند و خواستار تشکیل جلسه ی فوری شورا شدند.

شورای امنیت با تصویب طرح قطعنامه ی پیشنهادی شش کشور شورای همکاری در قالب قطعنامه ی ۵۲۲-حمله به کشتیهای تجاری را محکوم کرد و ایران را مسئول این حملات و ادامه ی جنگ دانست.

در ۲۶ شهریور ۱۳۶۴ش (۱۹۸۵م) نیروهای سه گانه ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد که نقش موثری در افزایش توان رزمی جمهوری اسلامی داشت .

این توان نظامی، خود رادر عملیات والفجر ۸ و فتح فاو نشان داد. رزمندگان اسلام با فتح فاو ورأس البیشه به چند هدف استراتژیک دست یافتند:

۱- رسیدن به مرزهای عربستان و کویت

۲- به تصرف در آوردن سه پایگاه موشکی ساحل به دریای عراق (که مهمترین عامل نا امنی خور موسی بودند و عراق تا آن زمان از این پایگاه ها ۹۰ فروند موشک به خلیج فارس پرتاب کرده بود و چندین کشتی را مورد هدف قرار داده بود).

۳- نشان دادن توان نظامی و اقتدار ایران به جهانیان

*شورای همکاری خلیج فارس، (PGCC) Persian gulf cooperation council به عنوان یک سازمان منطقه ای در حوزه ی خلیج فارس که متشکل از شش کشور عربی این منطقه شامل کشورهای عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات متحده ی عربی، قطر و بحرین می باشد؛ که در سال ۱۹۸۱م موجودیت یافت. در واقع سابقه ی تلاش برای ایجاد تجمعی در منطقه به دهه های ۶۰ و ۷۰ برمی گردد؛ در کنفرانس وزرای خارجه ی کشورهای منطقه در سال ۱۹۷۶م در "مسقط" برای ایجاد یک سیستم دسته جمعی تشکیل شد اما به دلایل مختلف از جمله رقابت های منفی میان ایران، عراق و عربستان برای سیادت و ژاندارمری منطقه، تلاش ها برای ایجاد تجمعی همگون به نتیجه نرسید اما سرانجام در ماه می ۱۹۸۱م یعنی ۸ ماه پس از جنگ ایران و عراق شش کشور ذکر شده، ایجاد شورایی به عنوان "شورای همکاری عرب کشورهای خلیج [فارس]" را اعلام کردند.

نیروی دریایی سپاه با طرح ریزی و انجام عملیات کربلای ۳ در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۶۵ توانست بخش اعظم پایانه های نفتی البکر والامیه عراق را نابود سازد و صادرات نفت عراق را با مشکل روبرو کند. بدین ترتیب در این دوره نه تنها افزایش قوای رزمی ایران را می بینیم بلکه با فکر سیاسی بی بدیل آن نیز آشنا می شویم. فکر سیاسی و توان مهندسی ای که دلاوران ایران زمین را از ابروند عبور داد و تمام معادلات دول غربی را بر هم ریخت.

دوره ی چهارم ۱۹۸۷م (۱۳۶۶ ش)

در این سال مفاهیم خاصی که از اهمیت زیادی در طول جنگ نفت کش ها برخوردارند پا به عرصه ی ظهور گذاشت. مفاهیمی چون :

۱- موشک های کرم ابریشم و مین ضد کشتی

۲- تغییر پرچم کشورها

۳- تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی شورای امنیت سازمان ملل

۴- افزایش ۵۰٪ ای نرخ بیمه ی کشتی ها

این سال با اضطراب و ترس آمریکا از پیروزی احتمالی ایران شروع شد تا جاییکه جورج شولتز، وزیر خارجه ی آمریکا استراتژی شولتز را به ریگان ارائه کرد؛ در بخش هایی از آن چنین آمده است:

بایستی برای به زانو در آوردن ایران به نقطه ی بسیار حساس آن که فعالیت های جنگ علیه عراق است، فشار آورد. این کوشش ها می تواند غیر مستقیم و از طریق تحریم اقتصادی مثلا بایکوت صادرات نفت ایران و یا مستقیم و از طریق تحریم تسلیحاتی علیه ایران باشد. (اهوازی، ۱۳۸۴، ص ۶)

کویت برای در امان ماندن نفت کش هایش به آمریکا پناه برده و تقاضای حمایت دارد از آمریکا می خواهد که تحت پرچم این کشور و حتی با تغییر نام کشتی های عربی به انگلیسی از خلیج فارس عبور کند. آمریکا در ابتدا سر باز می زند لکن چندی بعد به منظور جلوگیری از نفوذ شوروی در خلیج فارس (چراکه شوروی پیشنهاد نصب پرچم خود بر نفت کش های عربی را داده است) موافقت می کند. یک روز پس از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در بیست و نهم تیر این سال، آمریکا طرح اسکورت کشتی ها را آغاز می کند. نشریه ی الانباء در این زمینه می نویسد :

هیچکس باور نداشت که ما روزی پرچم های بیگانگان را بر نفت کش های ملی خودمان بزنیم. (سمیعی، ۱۳۸۲، ص ۴۹۱)

در این زمان ایران باز هم سیاست قبلی خود مبتنی بر امنیت خلیج فارس برای همه یا هیچ کس را اعلام می کند و می گوید :

اگر ایران در زدن کشتیهای کویت تردید کند ، در هدف قرار دادن کشتی های آمریکا تردید نخواهد کرد.

در تاریخ سی ام شهریور این سال نخستین برخورد نظامی ایران و امریکا در خلیج فارس روی می دهد.

سوپر نفت کش بریجتون و نفت کش گاز پرنس تحت اسکورت پرچم آمریکا از تنگه ی هرمز که به خاطر سکوی موشکی کرم ابریشم و حضور قایق های تندرو به "خط مرگ" معروف شده بود عبور می کند ولی روز بعد در نزدیکی سواحل کویت به مین برخورد کرده و از حرکت باز می ایستد.

یک ماه بعد، در بیست و هفتم مهر، گاسپارو این برگر (وزیر دفاع آمریکا) تندترین موضع را علیه ایران گرفته و خواهان خشکانیدن ریشه ی ملت ایران می شود.

در این زمان استفاده از قایق های تندرو و موشک های کرم ابریشم زیاد می شود . ناوگان دریایی مجهز آمریکا حریف تاکتیک بزن در روی این قایق ها نمی شود.

تک های دوطرف ادامه می یابد ؛ در همین ماه آمریکا سکوی نفتی رشادت را به توپ می بندد در روز چهارم آبان ریگان با امضای لایحه ی تحریم اقتصادی ایران، ممنوعیت خرید نفت و سایر کالاهای ایرانی را رسماً اعلام می دارد . این عمل با واکنش شدید حضرت آیت الله خامنه ای مبنی بر بستن تنگه ی هرمز روبه رو می شود و نهایتاً منجر به شکست طرح ریگان می گردد.

دوره ی پنجم ۱۹۸۸م (۱۳۶۷ ش) ، پایان جنگ

جنگ نفس های آخرش را می کشد. استکبار جهانی حمایت خود را از عراق به اوج می رساند. آمریکا سکوهای نفتی ما را پشت سر هم بمباران می کند . دوازدهم تیراین سال ، رزمناو موشک انداز آمریکایی وینسنس هوپیمای مسافری ایرباس ایران را مورد اصابت دو فروند موشک ریم ۶۴ استاندارد قرار می دهد . در این حادثه ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه ی ایرانی به شهادت می رسند.

در این سال خلیج فارس به شدت حساس شده بود . حداقل ده ناوگان دریایی کشورهای غربی و ۸ ناوگان دریایی کشورهای منطقه در خلیج فارس و تنگه ی هرمز حضور داشتند و سعی در تامین امنیت نفت کش های کشورهای متبوعشان می کردند.

حال به منظور بررسی تاثیر جنگ نفت کش ها بر اقتصاد منطقه ابتدایه تاثیر نفت در اقتصاد کشورهای تک محصولی چون ایران و عراق و چند کشور عضو شورای همکاری پرداخته و سپس اقتصاد این کشورها را به طور خاص در طول جنگ نفت کش ها و پس از آن مورد بررسی قرار خواهیم داد.

اقتصاد ایران و عراق به عنوان دو کشور تک محصولی همواره تابع صادرات نفت بوده است در واقع نفت رگ حیات این کشورهاست. سرمایه ی حاصل از این منبع انرژی در ایران قبل از انقلاب اسلامی به طور مستقیم مورد استفاده ی حکومت پهلوی قرار می گرفت و لذا این حکومت را از منابع مالی مردم و مالیات آنها بی نیاز کرده و در مقابل مردم را دریافت کننده و متکی محض قدرت ساخته بود . پس از انقلاب، ایران با تنش اقتصادی شدیدی مواجه بود . رانت خواری ، فساد اقتصادی ، بدهی های کلان به دول غربی از یک طرف و هزینه های عیش و نوش پهلوی از طرف دیگر منجر به نا به سامانی اقتصاد ایران شده بود . دولت سه منبع اساسی برای درآمد داشت:

۱-درآمد نفت ۲- مالیات های مردم ۳- سرمایه گذاری دولتی

در واقع اصلی ترین درآمد دولت از نفت بود و دو منبع دیگر نیز به این درآمد بستگی داشتند. به همین شکل بودجه ی سالانه ی ایران از سه بخش اساسی تشکیل می گردید :

بودجه ی عمومی که صرف هزینه های عمومی می شود

بودجه ی برنامه ی توسعه ی ملی یا سرمایه گذاری که نشانگر هزینه های سازمانهای اجرایی برنامه ی توسعه ی ملی است

بودجه ی نهادها و سازمانهای دولتی

با توجه به توضیحات داده شده و حتی بدون بررسی مراحل مختلف جنگ نفت کش ها ،می توان تاثیر این جنگ را در اقتصاد منطقه حدس زد . لکن در اینجا با هدف بررسی دقیق اقتصاد طی این مراحل ،ملزم به رجوع به آنها هستیم.

نقش نفت در اقتصاد ایران:

درمورد نقش نفت در اقتصاد ایران همواره دو گروه نظریات مثبت و منفی وجود داشته است که در اینجا به ذکر هر دو میپردازیم:

نظریات مثبت:

اقتصاد ایران همانگونه که ذکر شد بر پایه ی نفت قرار دارد . در ایران نفت اولاً به عنوان یک منبع انرژی زندگی و اقتصاد مردم کشور را متحول ساخته و رشد و توسعه ی اقتصادی را باعث گردیده است .ثانیاً درآمدی حاصل از نفت سبب ترقی و پیشرفت در همه ی شئون اقتصادی و اجتماعی شده است .

عواید درآمدهای حاصل از بهره برداری از منابع نفتی ، همیشه قسمت مهمی از درآمدهای ایران را تشکیل می داده است.

بدین ترتیب درآمدهای نفتی نقش دوگانه ای را در اقتصاد ایران به عهده می گیرد:

۱- بعنوان منابع درآمد نسبتاً مهم برای دولت که بخش اعظمی از مخارج بودجه ی عمومی کشور را تامین می کند.

۲-بخش مهمی از درآمدهای نفتی جذب سازمانهای مجری پروژه ها و برنامه های توسعه ملی می گردد تا در آن پروژه ها سرمایه گذاری شود .

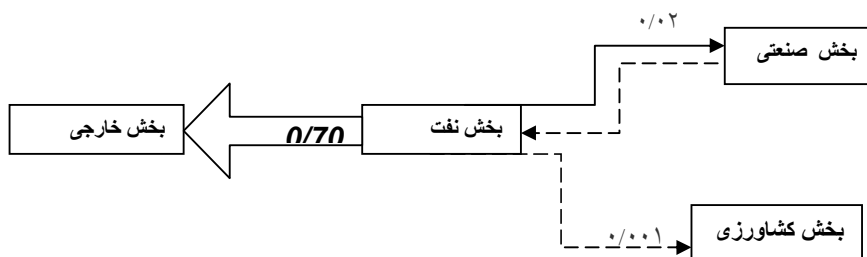
با افزایش میزان تولید نفت، درآمدهای نفتی کشور نیز رو به افزایش می‌گذارد. بنابر این نفت ایران نه تنها سبب درآمدهای هنگفت برای کشور جهت سرمایه‌گذاری عظیم در طرح‌های توسعه اقتصادی می‌گردد، بلکه به طرق مستقیم و غیر مستقیم دیگر نیز نقش عمده‌ای در اقتصاد مملکت ایفا می‌کند.

نظریات منفی:

صنعت نفت طی ۷۰ سال گذشته موقعیت "بخش معطوف به دنیای خارج" را پیدا کرده است. این یعنی حیات و رشد نفت ایران نه تنها در ارتباط با سایر بخشها نبوده، بلکه با نیازهای بیگانه وفق داده شده است. تنها کارکرد این صنعت تامین ارز بوده است. رشد درآمدهای نفتی و تسلط روزافزون آن بر کل اقتصاد، باعث شده تا اقتصاد ایران از ویژگی خاصی متفاوت با آنچه در ادبیات موجود اقتصادی به چشم می‌خورد، برخوردار باشد.

در اقتصاد ایران مسئله عبارت است از "انتشار آثار محرک رشد از بخش پویا (دینامیک) به بخش سنتی از طریق تبدیل بخش پویا به موتور رشد" این امر به دلیل آن است که آثار سرریز این بخش دائما در حال رشد است و در عین حال مجزای نفت روی اقتصاد ایران اهمیت ناچیزی داشته است. به عبارت دیگر آثار پیوستگی بخش نفت نه تنها علائم توسعه از خود نشان نداده، بلکه در واقع بدتر هم شده است. این کیفیت را می‌توان با توجه به جریان منابع از بخش پویا به بخش ایستا بررسی کرد.

که در حقیقت این مطلب را تاکید می‌کند که صنعت نفت جدا از بقیه اقتصاد باقی مانده است. همانطور که نمودار جریانی زیر نشان می‌دهد، اندازه‌ی آثار مستقیم اعم از قبلی و بعدی صنعت نفت بسیار ناچیز می‌باشد.



نمودار ۱) پیوستگی‌های بین بخش نفت و بقیه اقتصاد (اعداد مشخص شده مولفه‌های پیوستگی می‌باشد)

جهت و اندازه ی آثار پیوستگی نشان داده شده در نمودار ۱ و ضرایب ارائه شده ، بر اساس جدول داده-ستاده های اقتصاد ایران قرار دارند. همانطور که در شکل ملاحظه می شود تماس مستقیم بین بخش های نفت و کشاورزی ضعیف ترین پیوستگی است (۰/۱٪ درآمد نفت جذب بخش کشاورزی می شد)، در حالیکه پیوستگی بین بخش های نفت و خارجی قوی ترین آنها می باشد ، بعلاوه هم پیوستگی های قبلی و هم پیوستگی های بعدی بخش نفت با بخش صنعتی نیز قابل توجه نیستند. از این آمارها در می یابیم که با افزایش سهم نفت در رشد اقتصادی کشور ، دولت بیش از پیش به "اثرات مالی" کوتاه مدت و بی ثبات نفت به جای "ارتباطهای مستقیم" آن چشم میدوخته است. این امر موجب دوگانگی شدید در ایران گردید تحقیقاتی که پروفیسور کوزنتس در مورد "تاثیرات مالی" بخش نفت در کشورهای خاور میانه بعمل آورده است ، حاکیست که افزایش درآمدهای نفتی موجب کاهش اهمیت بخش های سنتی ، بخصوص کشاورزی شده است. بدین ترتیب با افزایش قابل توجه بخش نفت در اقتصاد ایران ، این بخش بیشتر و بیشتر از سایر بخش های اقتصاد جدا و مستقل شده است . (یداله زاده طبری ، ۱۳۷۲، صص ۲۴-۲۶)

با توجه به وابستگی شدید ایران به درآمدهای نفتی ، می بایست چرخه ی این درآمد مورد بررسی قرارگیرد: در آمد ارزی حاصل از صادرات نفت باید صرف مواد اولیه صنایع آن شود که این خود باعث بازگشت چنین ارزی به کشورهای غربی می شود چرا که این کشورها همواره نقش صادر کننده ی مواد اولیه را به کشورهای تک محصولی داشته اند.

در اینجا با یک بیماری اقتصادی گریبانگیر کشورهای دارنده ی منابع نفت و گازاست آشنا می شویم : "بیماری هلندی" یک مفهوم اقتصادی است که برای توضیح رابطه بین اکتشاف منابع طبیعی نفت و گاز و کاهش عملکرد بخش تولیدی در اقتصاد یک کشور غنی استفاده می شود. نظریه زیر ساختی شکل دهنده این مفهوم به صورت زیر است :

با افزایش درآمدهای منابع طبیعی به خصوص منابع نفت و گاز در یک اقتصاد زمینه برای غیر صنعتی شدن آن کشور فراهم می شود. زیرا رشد درآمد نفتی موجب رشد ارزش پول کشور می شود و این مساله از قدرت رقابت تولیدات صنعتی آن کشور در برابر تولیدات کشورهای دیگر می کاهد. با وقوع این مساله به تدریج بازار محصولات صنعتی کشور مورد نظر از بین می رود و کارخانه هایی که با هزینه های کلان احداث و راه اندازی شده اند یک به یک تعطیل شده و هزاران نیروی فعال در آن بیکار می شوند.

با وجود اینکه این بیماری اقتصادی را نتیجه اصلی کشف منابع طبیعی در یک کشور می دانند ولی توسعه یافتن نظریه ایجاد کننده بیماری هلندی را نمی توان به صورت زیر نوشت: "هر فرایندی که سبب افزایش حجم ارزهای خارجی در یک کشور شود و این ارزهای خارجی به جای سرمایه گذاری صحیح وارد بدنه اقتصاد شود بیماری هلندی در اقتصاد بوجود می آید."

بنابراین با اتکا به این تعریف افزایش بی رویه قیمت منابع طبیعی برای مثال نفت طی سال گذشته یا افزایش حجم کمکهای مالی خارجی یا سرمایه گذاری خارجی بدون مدیریت صحیح دست اندرکاران امور اقتصادی می تواند زمینه ایجاد بیماری هلندی را فراهم آورد. (مشهدی رجیبی، مقالات نفت تایمز، ۲۰۱۰)

اقتصاد عراق

کشور عراق پس از جنگ جهانی اول و تجزیه ی امپراطوری عثمانی تاسیس شد و تا سال ۱۹۵۸م نظام پادشاهی بر آن حکومت می کرد. پس از کودتای سال ۱۹۵۸م و روی کار آمدن حکومت سوسیالیستی عراق، اقتصاد این کشور دستخوش تغییرات بسیاری شد. تمرکز این حکومت بر دولتی کردن هرچه بیشتر ساختار اقتصادی کشور و کاهش شدید نقش بخش خصوصی بود. این امر موجب هراس سرمایه داران بخش خصوصی و خروج سرمایه ها از عراق شد. با کودتای حزب بعث در سال ۱۹۶۸م، دولت عراق شیوه ی اقتصاد سوسیالیستی را برای یک دهه در پیش گرفت و تا حدودی با موفقیت همراه بود. زیرا با افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، از اوایل دهه ی ۱۹۷۰م به بعد، اساساً پول زیادی به اقتصاد عراق تزریق شد؛ چه آن که نفت در عراق چون سایر کشورهای نفت خیز نقش حیاتی ای ایفا می کند. با افزایش قیمت نفت وابستگی اقتصاد این کشور به درآمدهای نفتی افزایش می یافت.

به گونه ای که درآمد نفت نقش عمده ای در بودجه ی عراق و تراز پرداخت ها بازی می کرد. تولید نفت عراق در سال ۱۹۷۰م افزایش یافت و در سال ۱۹۷۹ این روند به ۳/۵ میلیون بشکه در روز رسید. که پس از عربستان که تولیدی بیش از ۹/۵ میلیون بشکه در روز داشت، دومین تولیدکننده ی نفت اوپک در آن سال محسوب می شد.

افزایش درآمدهای نفتی و بهبود اوضاع اقتصادی، به افزایش تولید ناخالص داخلی عراق انجامید که در دهه ۱۹۷۰م رو به فزونی نهاد و مطابق گزارش های اوپک در سال ۱۹۸۰م تولید ناخالص داخلی عراق به قیمت جاری، به ۴۷۵۶۲ میلیون دلار رسید که این رقم بالاترین میزان تا پیش از آن و همین طور در طول سالهای جنگ با ایران بوده است لذا در آستانه ی آغاز جنگ تحمیلی، اقتصاد عراق به دلیل افزایش درآمدهای نفتی وضعیت نسبتاً مساعدی داشت. (دژپسند، رئوفی، ۱۳۸۷، صص ۴۰-۴۲)

با نگاهی به آمار ارزش صادرات نفت عراق و مقایسه ی آن با ارزش کل صادرات از آن کشور در جدول ۳ ضمیمه ملاحظه میشود که در سال های مختلف و در طول جنگ با ایران، سهم درآمدهای نفتی همواره بیش از ۹۵ درصد ارزش کل صادرات عراق بوده است که نشان دهنده ی میزان وابستگی این کشور به درآمدهای نفتی است.

اکنون باید افق دید خود را از اقتصاد ایران و عراق به سایر کشورهای حوزه ی خلیج فارس و بالخصوص کشورهای عضو شورای همکاری گسترش داد و به بررسی اجمالی پیوستگی اقتصاد این کشورها به صنعت نفت پرداخت تا مقدمه ای باشد به منظور مطالعه ی وضعیت اقتصاد آنها در طول جنگ نفت کش ها.

۱) عربستان سعودی

بزرگترین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس می باشد. نفت در اقتصاد عربستان نقش مهمی دارد. بیشترین هزینه های این کشور را عمدتاً هزینه های دفاعی، اداره ی دولت، تعمیر و تربیت و بهداشت تشکیل می دهد. از اوایل دهه ی ۱۹۸۰م به علت کاهش درآمد حاصل از بخش نفت و کوشش دولت جهت اعمال سیاست خودکفایی، بخش کشاورزی رو به افزایش نهاد مهم ترین کشورهای واردکننده از این کشور و صادرکننده به این کشور آمریکا و ژاپن می باشند.

۲) کویت

با میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه ی معادل ۲۳۳۵۰ دلار در رتبه ی دهم کشورهای ثروتمند جهان در سال ۱۹۹۴م قرار داشت. تا نیمه ی دهه ی ۱۹۸۰م، این کشور هیچگونه برنامه ی توسعه ی رسمی نداشت. اگرچه برنامه های اقتصادی ۵ساله در برخی از بخش های اقتصادی این کشور اعمال می گردید. هزینه های نظامی و امنیتی در بودجه ی کویت پس از اشغال این کشور توسط عراق افزایش یافت.

۳) بحرین

کوچکترین کشور عربی واقع در خلیج فارس است و از ۳۳جزیره ی کوچک و بزرگ تشکیل شده است. بحرین تا قرن هفتم هجری به همه ی سرزمین های جنوبی خلیج فارس از مصر تا عمان اطلاق می شد. این سرزمین از زمان اشکانیان تا چند سال پس از ظهور اسلام تحت تسلط و اداره ی ایران بود. بحرین از وابستگی کمتری به درآمد نفت در مقایسه با سایر کشورهای حوزه ی خلیج فارس برخوردار است. نیمی از درآمدهای دولت با فروش نفت تامین می گردد. لازم به توضیح است که بحرین قبل از کشف نفت به دلیل داشتن منابع غنی مروارید و صدف یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه می باشد.

۴) قطر

با قرار گرفتن در قلب و مرکز خلیج فارس از اهمیت استراتژیکی برخوردار می باشد. قطر دارای بزرگترین ذخایر عظیم گاز است. اقتصاد این کشور بیش از سایر کشورهای خلیج فارس متکی به نفت است. بطور متوسط سالانه حدود ۹۰ تا ۹۹ درصد عواید صادراتی این کشور را نفت خام تشکیل می دهد.

۵) عمان

یکی از قدیمی ترین تمدن ها در منطقه ی خلیج فارس می باشد . اقتصاد این کشور نیز مانند اکثر کشورهای منطقه شدیداً متکی به نفت است . غیر از نفت ، خرما، میگو، ماهی نیز جز صادرات آن کشور می باشد. عمان اگرچه جز کشورهای صادرکننده ی نفت (اوپک) نیست لکن چهارمین کشور در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پس از عربستان ، امارات و کویت است که بیشترین ذخیره ی نفتی را در اختیار دارد.

۶) امارات متحده ی عربی

از هفت امیر نشین تشکیل شده است که از نظر وسعت می توان به ترتیب ابوموسی، دوبی، راس الخیمه، فجیره، شارجه، ام القوین و عجمان اشاره نمود. اقتصاد این کشور نیز متکی به نفت است . تولید نفت عمدتاً در ابوموسی، دوبی و شارجه می باشد. البته دوبی یک بندر آزاد است و ذخایر نفتی نسبتاً اندکی دارد.

درست است که اقتصاد کشورهای حوزه ی خلیج فارس همگی متکی به نفت است ، لکن پیش از پیدایش این منبع حیاتی انرژی، اقتصاد این کشورها متکی به سایر نعمات آبهای این خلیج بوده است همچون: مروارید، ماهی ، صدف و... (سیمای اقتصادی کشور های خلیج فارس ، دانشگاه تربیت مدرس ، موسسه ی تحقیقات اقتصادی، صص ۸-۱۱)

پس از مرور اجمالی اقتصاد کشورهای حوزه ی خلیج فارس (کشورهای عضو شورای همکاری و ایران و عراق) و بررسی وابستگی شدید اقتصاد این کشورها به نفت، به جنگ نفت کش ها برمی گردیم و اقتصاد منطقه را در طول این جنگ از نظر می گذرانیم:

وضعیت اقتصادی ایران در خلال جنگ نفت کش ها:

با حمله عراق به نفت کش ها ، ایران از سه طریق تحت فشار فزاینده قرار می گرفت :

الف- کاهش درآمد نفتی از طریق محدود شدن به صدور نفت

ب- افزایش هزینه های تولید و صدور نفت به دلیل انهدام منابع و پایانه های نفتی و افزایش حق بیمه نفت کش های خارجی

ج-دسیسه ی کشورهای صادرکننده ی نفت به ویژه عربستان و کویت در افزایش صدور نفت و کاهش قیمت آن.

این روند تا آنجا پیش رفت که با وجود کاهش صادرات نفت از خلیج فارس قیمت نفت که در سال ۱۹۸۰م (۱۳۵۹ش) بشکه ای ۴۱دلار بود، در سال های پایانی جنگ به ۱۵ دلار و در سال ۱۹۸۶م (۱۳۶۵ش) که یکی از سال های بحرانی جنگ بود تا ۸ دلار هم کاهش یافت. (دائرة المعارف ویکی پدیا)

طبق نظر کارشناسان اقتصاد ، پس از انقلاب و تا پایان جنگ ایران در ۲ دوره با رکود شدید اقتصادی روبرو شده و در یک دوره اقتصاد ایران رونق داشته است.

شروع دوره ی اول ۱۹۸۱-۱۹۸۰م (۱۳۶۰-۱۳۵۹ش)، رکود اقتصادی

به موازات شروع جنگ می باشد. در ابتدای جنگ با وجود بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی درآمدهای نفتی ایران به دلیل کاهش صادرات نفت، تنزل یافته بود. رکود اقتصادی، وضعیت نامطلوب شاخص های کلان اقتصادی، بالا بودن قیمت نفت، تولید و صادرات پایین نفت و کم تر از ظرفیت کشور، از جمله خصوصیات این دوره می باشد.

همان طور که در بخش جنگ نفت کش ها اشاره شد، در دو سال اولیه جنگ تعداد ۸ فروند کشتی تجاری و نفتکش ایران مورد اصابت قرار گرفت .

مراکز و تاسیسات نفتی چون پالایشگاه ها و خطوط انتقال نفت و چاه های نفت در خطر اشغال متجاوز و تیررس آن قرار گرفت. پالایشگاه آبادان با ظرفیت بالای ۶۲۰ هزار بشکه در روز که ظرفیتی نزدیک به مجموع ظرفیت سایر پالایشگاه های ایران داشت، با آغاز هجوم ارتش عراق از فعالیت باز ایستاد و تا پایان جنگ مورد استفاده قرار نگرفت و همواره در معرض آتش دشمن بود. در واقع در این دوره بخشی از مراکز مهم صنعتی و اقتصادی تخریب شد و با در معرض تهدید قرار گرفت.

همان طور که در جداول ۱ و ۲ ضمایم نشان داده شده است، سهم گروه نفت در درآمد و تولید ناخالص داخلی، در این دو سال بسیار کاهش داشته و رشد این گروه منفی بوده است. در جدول ۵ ضمایم شاهد کاهش شدید صادرات در این دوره می باشیم.

دوره ی دوم ۱۹۸۵-۱۹۸۲م (۱۳۶۴-۱۳۶۱ش) رونق اقتصادی

در این دوره به واسطه ی عملیاتیهای موفق ایران و آزاد شدن بخش مهمی از مراکز اقتصادی کشور از تیررس دشمن و به دنبال آن افزایش صادرات نفتی و بالطبع افزایش درآمدهای حاصل از آن، اقتصاد ایران رو به بهبود گذاشت.

فتح خرمشهر تا فاو در این دوره، ایران را به چهره ی پیروز در جنگ تبدیل کرد و کشور را از هر لحاظ به ثبات رساند. این روند در عراق به دلیل دیپلماسی فعال ایران برعکس بود. صاحب نظران خارجی، به اوضاع مطلوب اقتصاد ایران نسبت به عراق در این دوران، اعتراف نموده اند. بدین ترتیب در سال ۱۹۸۲م فعالیت همه ی بخش های اقتصادی یعنی نفت، کشاورزی، خدمات و صنعت و معدن، افزایش یافت و به رونق اقتصادی انجامید که این وضعیت تا سال ۱۹۸۵م ادامه یافت. (رجوع به جدول او ۵

ضمائم)

دوره ی سوم ۱۹۸۸-۱۹۸۶م (۱۳۶۷-۱۳۶۵ش) رکود اقتصادی

همان طور که قبلا در مبحث جنگ نفت کش ها متذکر شدیم، این دوره اوج حملات به نفت کش ها و تاسیسات نفتی بود. رکود شدید اقتصادی، وضعیت نگران کننده ی شاخص های اقتصادی، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی از متغیرهای مهم این دوره هستند. در طول ۳ سال پایانی جنگ، پایانه های نفتی خارک، نفتکش های حامل نفت ایران و کشتی های تجاری، به کرات مورد اصابت موشک ها و راکت های هواپیماهای ارتش عراق قرار می گرفت. در این دوره ۴۴ فروند کشتی نفت کش و ۳ کشتی تجاری ایرانی مورد اصابت قرار گرفت. همچنین در این سال ها سلسله های متعددی از حملات گسترده ی عراق به مراکز اقتصادی و نفتی ایران و شهرها و مناطق مسکونی (جنگ شهرها) صورت گرفت. با تحت تاثیر قرار گرفتن و کاهش شدید قیمت نفت و صادرات نفتی ایران، ارزش وارد شده به کشور هم کاهش یافته و در نتیجه بخش صنعت هم به دلیل تخصیص نیافتن ارزش به این حوزه، به شدت آسیب دید.

بدین ترتیب ایران با رشد منفی تولید ناخالص ملی، کاهش سرمایه گذاری و نیز افزایش نرخ تورم رو برو شد. با ورود ناوگان نیروی دریایی آمریکا به خلیج فارس و گسترش جنگ نفت کش ها در سال های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸م رویارویی نظامی ایران و آمریکا صورت گرفت. در این سال ها حضور آمریکا منطقه را به تشنج بیشتر کشاند و کشتی رانی در خلیج فارس به دشواری صورت می گرفت. نرخ بیمه ی کشتی ها نه تنها برای کشتی های عازم بنادر ایران، بلکه برای تمامی کشتی های عازم بنادر خلیج فارس افزایش یافت. لذا این مشکل علاوه بر ایران، گریبانگیر سایر کشورهای حوزه ی خلیج فارس نیز شده بود.

سال ۱۹۸۸م (۱۳۶۷ش) نامطلوب ترین سال در طول دوران جنگ (از لحاظ اقتصادی) بود. یکی از مهم ترین ملاک های این وضعیت، کاهش ارزش افزوده ی نفت می باشد. برخلاف سهم نفت در این دوره، با افزایش سهم خدمات در اقتصاد روبرو هستیم. لکن برای کشورهای در حال توسعه بالا بودن سهم این بخش نشان دهنده ی نابسامانی اقتصادی است. در این سال درآمد سرانه به کمترین مقدار خود (تا سال های اخیر) رسیده بود. (رجوع به جدول او ۵ ضمايم)

(دژپسند، رئوفی، ۱۳۸۷، صص ۹۴-۱۵۰)

بررسی نرخ تورم در خلال جنگ

با بروز جنگ تحمیلی در سال ۱۹۸۰م و افزایش هزینه ی دولت ، نرخ تورم افزایش یافت و ناگهان از ۱۱/۴ درصد در سال ۱۹۷۹م در حالیکه نرخ رشد نقدینگی ۳۷/۶۷ درصد بود به ۲۳/۷ درصد در سال ۱۹۸۰م رسید . این در حالی بود که نرخ رشد نقدینگی در همین سال ۲۲/۱۹ درصد بوده است. در زمان جنگ نرخ تورم متلاطم بود که در سال ۱۹۸۵م به ۶/۹ درصد کاهش یافت به گونه ای که نرخ رشد نقدینگی نیز ۱۲/۹۹ درصد رسید اما در یک سال پس از آن به دلیل کاهش قیمت نفت ، درآمدهای ارزی دولت به شدت کاهش یافت (۶میلیارد دلار) که این امر باعث کاهش حجم واردات و سپس کاهش شدید رشد تولید شد به گونه ای که نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی در این سال به ترتیب ۲۳/۷ و ۸۲/۹ درصد رسیدند . اما با پایان یافتن جنگ تحمیلی و آغاز برنامه ی اول توسعه که برنامه ی بازسازی بود ، درآمدهای ارزی دولت با افزایش صادرات و بالا رفتن قیمت نفت بهبود یافت.

از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸م به مدت ۸سال یکی از عمده ترین اقلام هزینه های دولت تامین مخارج جنگ بود . این رقم در سال ۱۹۸۱م معادل ۳۸میلیارد تومان بود که در سال ۱۹۸۸م به رقم ۹۶میلیارد می رسید که قریب ۳برابر افزایش یافت .

نرخ تورم در سالهای جنگ بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده

سال	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸
نرخ تورم (درصد)	۲۳/۷	۲۲/۸	۱۹/۴	۱۴/۸	۱۰/۴	۶/۹	۲۳/۷	۲۷/۵	۲۹

دژپسند، رثوفی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱

بررسی هزینه های جنگ و درآمد حاصل از نفت

ملاحظه می کنیم که هزینه های جنگ از درآمد نفت تبعیت می کند و تا سال ۱۹۸۵م به طور متوسط یک سوم درآمد نفت صرف جنگ می شده است . اما با سقوط درآمد نفت این رابطه به هم می خورد در صورتی که هزینه ی جنگ بسیار افزایش یافته و درآمد نفت دچار کاهش چشمگیری گردیده است. در سال های ۱۹۸۶-۱۹۸۷م (۱۳۶۵و۱۳۶۶ش) هزینه ی جنگ و درآمد نفت پا

به پای هم پیش می روند اما در سال ۱۹۸۸م مجددا قیمت نفت کاسته می شود ولی همچنان هزینه ی جنگ سیر صعودی خود را ادامه می دهد و درآمد نفت رقم ۶۶ میلیارد تومان هزینه ی جنگ رقم ۹۶ میلیارد را به ثبت رسانده است و این یعنی هزینه ی جنگ ۳۰٪ از درآمد نفت هم بالاتر زده و در همین سال نیز ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفته و جنگ پایان می پذیرد. (احمدرضابابایی، سال ۱۳۸۹، وبلاگ ابوریحان بیرونی)

وضعیت اقتصادی عراق در خلال جنگ نفت کش ها:

در آغاز جنگ، با وجود حمله ی همه جانبه و غافلگیرانه ی ارتش عراق و پیشروی در خاک ایران ، مشکل در بخش نفت و صادرات آن ، برای عراق زودتر و شدیدتر از ایران به وقوع پیوست ، زیرا با شروع جنگ پایانه های نفتی البکر و الامیه واقع در خلیج فارس ، در روزهای آغازین جنگ بسته شد. خط انتقال نفت عراق از طریق سوریه نیز در سال ۱۹۸۲م به دلیل حمایت سوریه از ایران ، مسدود گردید، طوری که تولید و صادرات نفت عراق به شدت کاهش یافت . در سال ۱۹۸۳م سهم نفت از تولید ناخالص داخلی واقعی به یک سوم آن کاهش یافت . فشارهای شدید هزینه ها و ضرورت صادرات نفت برای کسب درآمد عراق را به سمت سیاست احداث خط لوله از طریق ترکیه و عربستان سوق داد . بدین ترتیب عراق توانست در دو سال پایانی جنگ ، تولید نفت خود را به حدود سال های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰م برساند.

سهم ارزش افزوده ی بخش نفت و بخش خدمات در دوره ی جنگ به میزان عمده ای افزایش یافته بود . برای نمونه در سال ۱۹۸۶م سهم بخش نفت عراق در تولید ناخالص داخلی حقیقی به ۳۳/۵ درصد رسید. در حالیکه بخش های غیر نفتی شامل صنعت، کشاورزی و خدمات ، باقی مانده ی سهم از تولید ناخالص داخلی را شامل می شدند . بخش خدمات نیز بزرگترین بخش غیر نفتی بود که با ۲۳٪ سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی حقیقی را به خود اختصاص می داد. که البته همانگونه که در مورد اقتصاد ایران بیان کردیم ، افزایش این سهم در اقتصاد کشورهای در حال توسعه نشانه ی نا بسامانی در اقتصاد آنها می باشد.

صادرات نفت عراق که از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳م روندی نزولی را طی می کرد ، با تاسیس خطوط لوله و حمایت کشورهای منطقه از این کشور از سال ۱۹۸۴م تا پایان جنگ سیری صعودی به خود گرفت.

سیاست دیگر عراق به جهت افزایش تولید و صادرات نفت، جایگزینی گاز به جای نفت بود. شاید این طور نتیجه گیری شود که افزایش صادرات نفت عراق منجر به رشد اقتصادی این کشور شده است، لکن در سالهای پایانی جنگ کاهش شدید قیمت نفت، اوپک را بر آن داشت تا از میزان صادرات و حتی تولید بکاهد تا شاید این اقدام منجر به افزایش قیمت شود؛ عراق به رغم مخالفت سازمان، صادرات خود را افزایش داد و در پی آن با کاهش قیمت مواجه شد. پس مشکل کمبود درآمدهای نفتی همچنان بر این کشور سایه انداخته بود.

مشکل دیگری که عراق تا پایان جنگ و پس از جنگ با آن روبرو بود، بدهی های کلان این کشور به سایر کشورهای منطقه و کشورهای اروپایی و آمریکا بود که با اقتدار ایران در طول جنگ نفت کش ها و ترس کشورهای منطقه از صادرات نفت از این حوزه، منجر به نگرانی فزاینده ای از بابت بازپس دادن این ارقام شده بود.

فاکتورهای ذیل، عمده ی وابستگی های خارجی و بدهی های عراق را تشکیل می دهند:

۱- هزینه های نظامی (تجهیزات و تسلیحات پیشرفته ی نظامی)

۲- کمک شرکت ها و کنسرسیوم های خارجی جهت احداث خطوط لوله انتقال نفت، پالایشگاه ها و صنعت

۳- استفاده از مستشاران نظامی خارجی

۴- استفاده از سیستم های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا

۵- ساخت استحکامات و پناهگاه های روسطحی و زیرزمینی

در سال ۱۹۸۴م هزینه های نظامی عراق به ۳ برابر ارزش صادرات نفت در آن سال رسید. اوضاع اقتصادی و اجتماعی عراق به ویژه در اواخر جنگ بسیار بحرانی بود و در حالیکه بدهی های خارجی ایران در سال آخر جنگ صفر بود، بدهی های عراق در حدود ۸۶ میلیارد دلار اعلام شد. دولت عراق که تا سال ۱۹۸۳م تمرکز بر بخش دولتی اقتصاد داشته و بخش خصوصی را به انزوا کشانده بود، از این سال به بعد در حمایت از گسترش فعالیت بخش خصوصی برآمد و درجه ی آزادی اقتصادی در عراق به نسبت سال های پیش در این سالها، افزایش یافت. (دژپسند، رئوفی، ۱۳۸۷، ص ۴۳-۶۶)

در حقیقت عراق که می توانست به عنوان دومین کشور اوپک ، با وجود اقتصاد مطلوب در سال ۱۹۷۹م، به یکی از قطب های اقتصادی منطقه تبدیل شود ، با روی آوردن به جنگ با ایران عملا اقتصاد این کشور به ورطه ی ورشکستگی کشیده شد، تا جاییکه در سال ۱۹۸۷م این کشور بزرگترین بازار تسلیحاتی جهان شده بود که این عامل نمی توانست به تنهایی نقشی در بهبود اقتصاد عراق ایفا کند، پس صدام را به فکر جنگ با کویت انداخت تا نه تنها مجبور به بازگرداندن بدهی این کشور نشود، بلکه به این بهانه که کویت اقدام به صدور نفت ارزان و نیز پمپاژ غیر قانونی نفت از حوزه ی نفتی رومیله متعلق به عراق کرده بود، این کشور را وادار به پرداخت خسارتی معادل ۱۴ میلیارد دلار که تقریبا مساوی بدهی عراق به کویت بود، کند.

جنگ عراق با کویت معلول سومین جنگ این کشور البته این بار با حامی آمریکایی اش بود. سه جنگ پی در پی اقتصاد عراق را به ویرانی کشاند.

بررسی اجمالی اوضاع اقتصادی کشورهای منطقه در طول جنگ نفت کش ها:

ایران و عراق نه تنها دو چهره ی اصلی جنگ (۱۹۸۰-۱۹۸۸م) خلیج فارس بودند بلکه دو کشور مهم صادرکننده ی نفت اوپک نیز محسوب می شوند . طی بررسی اقتصاد این دو کشور در سال های جنگ به این نکته رسیدیم که از سال ۱۹۸۵م یعنی دقیقا از زمان اوجگیری جنگ نفت کش ها تا پایان جنگ دو کشور دستخوش نابسامانی اقتصادی شدند. این بدین معنی است که جنگ نفت کش ها و درهم ریختن موازنه ی صادرات و قیمت نفت، اصلی ترین فاکتور رکود اقتصادی در این کشورها می باشد .

گویا کشورهای منطقه در دو طرف یک ترازوی نفتی قرار گرفته اند و با آسیب یک طرف این ترازو، طرف دیگر نیز آسیب می بیند . مشاهده شد که در طول جنگ نفت کش ها کویت و سایر کشورهای صادر کننده ی نفت منطقه با افزایش بیمه ی نفت کش ها روبرو شدند . کشتی های کمتری پا به منطقه می گذاشتند. گروهی که سیاست تغییر پرچم را در پیش گرفتند ، با استراتژی "امنیت برای همه" ی ایران روبرو شدند. کمک ۱۴ میلیاردی کویت به عراق مبین این نظر است که کشورهای منطقه با ترسیم آینده ی آن در دست عراق ، سعی در جلب توجه این کشور داشتند ؛ آینده ای که با حمله ی عراق به کویت - تنها یک سال پس از جنگ با ایران- در نظر تمامی این کشورها ویران گشت.

بنابراین خسارت دیگری گریبانگیر این کشورها شد: حمایت های بی وقفه و بدون بازگشت از کشوری که توان اقتصادی و سیاسی اش را همزمان از دست خواهد داد.

از طرفی ناامن بودن منطقه و آلودگی محیط زیستی آبهای خلیج فارس که ناشی از نشت نفت کشتی ها بوده است قطعاً صادرات دیگر اقلام صادراتی این کشورها را هم که همانطور که در بخش اقتصاد این کشورها ذکر شد بیشتر ماهی، صدف و مروارید و... است، را تحت تاثیر قرار داده است. به طور اجمالی باید گفت که کاهش شدید قیمت نفت در طول جنگ نفت کش ها منجر به کاهش درآمد نفتی همه ی کشورهای منطقه و از پی آن کاهش ارز وارد شده به سایر سیستم های اقتصادی شد. لذا باید آوری بیماری هلندی و وابستگی شدید اقتصاد کشورهای تولید کننده و صادرکننده ی نفت منطقه و با توجه به نکاتی که در قسمت اقتصاد کشورهای منطقه ذکر شد، به این نکته پی می بریم که در طول جنگ مذکور، اقتصاد این کشورها دستخوش تغییر شده و احتمالاً با رشد منفی درآمد سرانه مواجه بوده اند. این موضوع در نمودار شماره اضمائم نشان داده شده است.

تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری :

با مقایسه ادوار مختلف جنگ نفت کش ها و اقتصاد ایران ، متوجه می شویم که هرکجا ایران دست به عملیات موفقیت آمیزی می زند ، هراس دول غربی و از پی آن حمایت این کشورها از عراق بیشتر شده و استراتژی جدیدی را در پیش می گیرند. دوره ی دوم جنگ نفت کش ها (تا پایان سال ۱۳۶۴ش) که تقریبا منطبق بر دوره ی دوم اقتصاد ایران یعنی زمان رونق آن می باشد، دقیقا زمانی است که مراکز مهم اقتصادی از تیررس دشمن درامان می ماند. در اینجا به حساسیت عملیات والفجر ۸ و فتح فاو می رسیم. همان طور که ملاحظه شد جنگ نفت کش ها در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ش (۱۹۸۵-۱۹۸۶م) به اوج می رسد. در این سالها چنانچه در جدول ۱، ۲ و ۳ ضمائم ملاحظه می شود ، سهم گروه نفت از درآمد ملی ایران بسیار پایین است ، لکن رشد آن در سال ۱۳۶۴ش به ۱۳/۶- می رسد که نسبت به سال قبل افزایش ۳ درصدی دارد. در سال ۱۳۶۵ش سیر نزولی اش را طی کرده و به ۵/۸- می رسد. به همین ترتیب در این سال ها با کاهش صادرات نفت از ۱۵۶۸/۳ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۶۴ش، به ۱۴۵۴ هزار بشکه در سال ۱۳۶۵ و ۱۷۱۰۰ هزار بشکه در سال ۱۳۶۶ش مواجه هستیم. همچنین کاهش شدید ارزش صادرات نفت در طول سالهای ۱۳۶۵ش تا پایان جنگ، موجب شد تا ارزش کمتری به بخش صنایع و معادن تخصیص یافته و در نتیجه با کاهش درصد سهم این گروه مواجه هستیم. در بخش خدمات چنانچه ملاحظه می شود ، شاهد رشد مطلوبی هستیم (از ۱/۹ در سال ۱۳۶۴ به ۱۶/۷ و ۱۴/۴ در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ش). لکن آنطور که ذکر شد ، بالا رفتن سهم خدمات در کشورهای در حال توسعه به دنبال کاهش سهم بخش های دیگر می باشد و نشانه ی نا بسامانی اقتصادی است. در این سال ها سهم بخش کشاورزی که در سال ۱۳۵۹ ، ۱۶٪ بوده است، در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ش به ترتیب به ۲۱/۳٪ و ۲۳/۳٪ می رسد که البته مجال صحبت در این باب نیست و پیشنهاد می شود که در آینده با دید روشنتری موضوع "تاثیر جنگ نفت کش ها بر کشاورزی و خدمات" مورد بررسی قرار گیرد. دوره ی سوم وضعیت اقتصادی ایران (پس از سال ۱۳۶۴) که دوره ی رکود اقتصاد ایران است، همزمان با دوره ی سوم، چهارم و پنجم جنگ نفت کش ها می باشد. رکود اقتصادی این دوره به وضوح در جداول موجود در ضمائم دیده می شود. در سال پایانی جنگ سهم نفت در درآمد سالانه بسیار کاهش می یابد و با توجه به افزایش هزینه های جنگ و رکود اقتصادی می توان گفت که یکی از دلایل پذیرش قطعنامه توسط ایران ، چنین امری می باشد که البته این موضوع ، تحقیقی جداگانه را می طلبد.

در متن به طور مفصل بیان شد که هدف عراق از صدمه زدن به اقتصاد ایران، کاهش فشار عملیاتی‌های پی در پی ایران بود و این خود نکته ای است که چرا ایران با وجود رکود اقتصادی در سال های پایان جنگ و عدم حمایت کشورهای دیگر، انگیزه ی دوچندانی برای ادامه ی دفاع داشته است؟ منشأ این انگیزه قطعاً به ذهن عراق و دول غربی خطور نکرده است. در کنار کاهش سهم نفت و صادرات ایران، عراق با احداث خطوط لوله ی انتقال نفت و گاز از سال ۱۳۶۴ش تا پایان جنگ، صادرات خود را بسیار افزایش داد، تا جاییکه صادراتش از ۸۶۷ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۶۳ش، به ۱۷۱۷ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۶۶ رسید. با این حال در این سال ها عراق با کاهش شدید قیمت نفت روبرو شد و صادرات خوب نفت این کشور به واسطه ی خطوط لوله، نتوانست کمکی به اقتصاد آن کند و به موازات آن در این سال ها حجم واردات تسلیحات به این کشور، موجب منفی شدن تراز تجاری آن در سال ۱۳۶۵ش شد. این حجم واردات تسلیحات در سال های پایان جنگ عراق را به یک پایگاه نظامی تبدیل کرده بود لکن با احتساب آسیب شدید به همه ی مولفه های اقتصادی اش، داشتن یک پایگاه نظامی کمکی به رکود این کشور نمی کرد

در نهایت عراق به هدف خود از لحاظ سست کردن پایه های اقتصاد ایران رسید ولی این امر نه تنها باعث توقف عملیات های ایران نشد، بلکه موجبات فلج شدن اقتصاد عراق را هم فراهم آورد. چنانچه دیدیم پس از پایان جنگ با ایران، عراق درگیر ۲ جنگ دیگر نیز شد و چنانچه ذکر شد، منشا جنگ با کویت، رکود اقتصادی عراق و از پس آن بهانه اش برای صادرات غیر مجاز نفت این کشور توسط کویت بود و این جنگ، خشم آمریکا و جنگ سوم عراق را در پی داشت. لذا می توان چنین نتیجه گرفت که نابسامانی اقتصاد عراق از زمان جنگ نفت کش ها تا کنون، به دلیل دست زدن به همین نبرد می باشد. لذا عراق از یک جانب به هدفش که سست کردن اقتصاد ایران بوده، رسیده است لکن کاهش صادرات و سهم نفت ایران تبعات شدیدتری برای سایر کشورهای منطقه داشت، امری که عراق و حامیانش قطعاً در برنامه ی خود نگنجانده بودند.

به امید توفیق روز افزون تمامی کشورهای مسلمان نشین منطقه و آرامش همیشگی خلیج همیشه فارس

منابع

کتاب :

- ۱ - حشمت زاده ، محمدباقر، *ایران و نفت* ، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۹، تهران.
- ۲ - دژپسند، فرهاد؛ رئوفی، حمیدرضا، *اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی*، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۷، تهران.
- ۳ - ذوقی، ایرج ، *مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران*، نشر پازنگ ، ۱۳۸۱، تهران.
- ۴ - سمیعی ، علی، *کارنامه ی توصیفی عملیاتهای ۸ سال دفاع مقدس*، نشر نسل کوثر، ۱۳۸۲، تهران.
- ۵ - یزدانفام، محمود، *روزشمار جنگ ایران و عراق*، ج ۵۰، اسکورت نفت کش ها، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، ۱۳۸۷، تهران.

پایان نامه :

- ۱- رحمتی ، محمد مهدی (۱۳۷۶) ، *اثر افزایش قیمت فرآورده های نفت بر ساختار اقتصاد ایران* ، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۲- لطفی زاده ، حمید ، *بررسی تحولات اقتصاد نفت در خلیج فارس* ، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۳- یدالله زاده طبری، ناصر علی (۱۳۷۲) ، *اثر افزایش قیمت نفت بر ساختار اقتصاد ایران (بیماری هلندی)* ، پایان نامه کارشناسی ارشد.

نشریه:

- ۱- امجد، نرگس سادات ؛ علایی، حسین ویزدانفام ، محمود (۱۳۸۰، ۲مهر) ، جنگ نفت کش ها ، جدال سنگین روی آب های خلیج ، نشریه آفتاب یزد .
- ۲- اهوازی ، عبدالرزاق (۱۳۸۴، ۷ شهریور)، مروری بر تاریخ تحولات سیاسی نفت در ۸ سال دفاع مقدس، روزنامه کیهان.
- ۳- بانک مرکزی ، گزارش و ترازنامه اقتصادی ، سال ۱۳۶۰-۱۳۶۸ .
- ۴- حیدر علی ، ایمان (شماره ی ۴۲)، حفظ امنیت تنگه ی هرمز از آغاز جنگ نفت کش ها تا فردای نا معلوم، نشریه خواندنی.
- ۵- معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، خلاصه طرح تحقیقاتی ، سیمای اقتصادی کشورهای خلیج فارس ، دانشگاه تربیت مدرس ، موسسه ی تحقیقات اقتصادی .
- ۶- نوده ی فراهانی ، غلامحسین (۱۳۸۷)، نفت و پیامدهای ژئوپولیتیکی آن، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک ، ش ۲۰، صص ۱۶۷-۱۸۹.

سایت :

- ۱- بابایی ، احمد رضا ، بررسی وضعیت اقتصاد ایران در دوران جنگ، وبلاگ ابوریحان بیرونی ، ۱۳۸۹، قابل دسترسی در:

www.ahmadbabai.com

- ۲- دایره المعارف ویکی پدیا ، جنگ نفت کش ها ، قابل دسترسی در:

www.wikipedia.com

- ۳- مشهدی رجبی ، مونا ، اقتصاد ایران گرفتار بیماری هلندی ، سایت نفت تایمز، ۲۰۰۸، قابل دسترسی در:

<http://www.nafttimes.com/articles/1387/02/02/16>